



شنبه

۱۸ خرداد ۱۳۹۸
۴ شوال ۱۴۴۰
شماره ۲۸۲۷

به وقت شله

محمدعلی محمدپور

اسمش را بگذاریم «یلدا»

شنبه‌های دیگر را در حالی آغاز می‌کنیم که بنده حامل خبر خوبی برای شما هستم. «یلدا» ماده شیر ایرانی وارد ایران شد. چه اسم با مسمایی هم دارد. اما بد نیست اسم ایشان را هم عوض کنیم و مثلاً بگذاریم یلدا. به هر حال ما الان یک زوج جوان از نسل شیر ایرانی داریم که قابلیت این را دارند هر ایرانی با دیدنشان بگوید: «چه قدر به هم میان.»

البته مسئولان محیط زیست اعلام کردند فعلاً قصد روبه‌رو کردن «یلدا» جان را با «هیرمان» جان ندارند و احتمالاً این پروسه یک ماه طول می‌کشد. این مسئولان افزودند که ماده شیرسیر ایرانی هنوز استرس سفرش رفع نشده است. حالا به ما نگوئید عقده‌های ولی حقیقتاً این‌جا هم تبعیض قابل‌شدن و هیرمان را یک جوری آوردند که بیچاره با دماغ رفته بود توی دیواره قفس. آن موقع اصلاً صحبت از استرس و این حرف‌ها نبود حالا سر آوردن یلدا نه تنها خیلی مراعات کرده‌اند که می‌گویند استرس دارد و می‌ترسیم استرس باعث شود پوستش خراب شود.

این وسط یک نکته‌نیز درخور توجه است، حتی هیرمان هم نیمه گمشده خودش را پیدا کرده است و ما دهه شصتی‌ها هنوز نه. اینجا ما یک ماهی که پروسه آشنایی هیرمان و یلدا خواهد بود را برای شما شبیه‌سازی می‌کنیم ببینید چه اتفاقی خواهد افتاد. ببینید اول که طبیعتاً یک عکس پروفایل از هم می‌بینند. یلدا توی عکس پروفایلش این متن را می‌گذارد: «هنر آن گلبرگ مغرورم، که می‌میرم ز بی‌آبی، ولی با خفت و خاری بی‌شبنم نمی‌گروم.» من نمی‌فهمم مگر عکس پروفایل دفتر خاطرات است که تویش متن می‌گذارید؟ آن بیور برای چی گذاشته‌اند پس؟ به هر حال هیرمان با پیش خواهد گذاشت و خواهد گفت: «شعر عالی بود بانو. خودتون سرودید؟» در ادامه یلدا توی عکس پروفایلش این متن را خواهد گذاشت: «دنیالم نیا اسیر می‌شی» خلاصه همین جور از هیرمان اصرار از یلدا رگبار کشنده‌ترین سلاح یعنی بی‌حلی، درنهایت این دو همین جور که با هم چالش مجازی دارند بالاخره یک روز از دور همدیگر را می‌بینند و هیرمان از دور با پیس پیس ریزی خواهد گفت: «بانو شما چه قدر چهره‌تون آشناست، من جایی شما رو دیدم؟» و در ادامه ملاقات‌ها بیشتر و بیشتر خواهد شد. در کل که ما امیدوارم این دو بزرگوار با هم کنار بیایند چون خیلی به هم می‌آیند و در نتیجه ما شاهد احیای نسل شیر ایرانی باشیم. تا آن روز که دیگر شیر ایرانی توی قفس نباشد و بتواند به طبیعت زیبای ایران باز گردد. ●

خط رو خط

فرانک باباپور

۱۰ میلیون که چیزی نیست

رضا شیران، نماینده مشهد و کلات گفته است: «پیش از ۱۰ میلیون متر مکعب آب در خراسان هدر می‌رود» از همین‌جا به عنوان یکی از عوامل اصلی این هدر رفت آب عذرخواهی می‌کنم. چرا که ما قشر نویسنده، علی‌الخصوص طنزنویس، ۸۰ درصد ایده‌های مطالبمان را در دست‌شویی پیدا می‌کنیم. از این‌رو بنده از طرف همه طنزنویسان بابت کمبود آب عذرخواهی می‌کنم و قول می‌دهم مکان دیگری را برای دریافت ایده‌های طنزم پیدا کنم. همچنین بنده باید باز هم به عنوان یکی دیگر از عوامل اصلی هدر رفتن آب عذرخواهی کنم. چرا که ته‌صدایی دارم و ۸۰ درصد تمرینات کسانیه که صدای خوب دارند و می‌خواهند خوانندگی‌شان را تقویت کنند در حمام و زیر دوش آب انجام می‌شود. از این‌رو بنده از طرف همه خوانندگان بالقوه که در تلاش برای بالفعل شدن هستند هم بابت کمبود آب عذرخواهی می‌کنم.

البته همین که این عدد روی ۱۰ میلیون مانده و بالاتر رفته و به چند هزار میلیارد نرسیده باید خدا را شکر کنیم، چون ما ایرانی جماعت دستمان به کم نمی‌رود و باید اساسی حیف و میل کنیم. اصلاً اعتقاد داریم وقتی یک چیز مفتی در دستمان هست باید آن قدر بر داریم تا تمام شود و چیزی برای بقیه نماند. اصلاً خوب شد که یادم آمد، من تا مطمئن را تایپ می‌کنم بروم شیر دست‌شویی را باز بگذارم چون به هر حال نمی‌شود لپ‌تاپ را برد توی دست‌شویی، ولی نباید از این وظیفه‌خطر هدر دادن آب کوتاه بیایم و عقب بمانم. پس هم‌وطن شما هم برو شیر آب دست‌شویی را باز بگذار و پر گردد. ●

سفر یعنی شمال و دیگر هیچ!

درباره پدیده هجوم به شمال در تعطیلات و حواشی و واکنش‌هایی که در فضای مجازی به دنبال داشت



ایمان فروزان‌نیا

مثل دفعه‌های قبل ماجرا از چند خانه قرمز پشت سر هم در تقویم شروع شد. چند روز تعطیلی که فرصت مناسبی برای سفر فراهم می‌کند. این وسط تنها یک مشکل وجود دارد، سفر در دایره لغت بسیاری از ما یعنی «شمال و دیگر هیچ». شاهد ایسن مثال، ترافیک سرسام‌آوری بود که در محورهای منتهی به شمال به وجود آمد. دوشنبه گذشته تمام جاده‌های منتهی به شمال کشور ترافیک و راه‌بندان بود، دیروز و امروز هم مسیر برگشت از شمال شلوغ و پر از ترافیک بود. مردم ساعت‌ها در ترافیک ماندند و برخی وسط راه اتراق کردند و بعد از زدن جوجه و کشیدن قلیان برگشتند به شهرشان. این اتفاق دیگری پدیده جدید نیست و الان چند سالی است که شاهد شلوغی بی‌اندازه شهرهای شمالی در تعطیلات هستیم. این شلوغی و ازدحام حواشی متعددی هم داشت که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ایران کج شد

اولین و سریع‌ترین واکنش به از دحام در جاده‌های شمال جوک‌هایی بود که

کاربران فضای مجازی نوشتند. «دیروز صبح ساعت ۸ رفیقم زنگ زد گفت بریم شمال؟ گفتم من کار دارم نمیام. امروز ساعت ۵ بعد از ظهر زنگ زدم ببینم چیکار می‌کنه گفت جات خالی داش هنوز تو راهیم» کاربر دیگری نوشته بود «کاش کشورمون به جای جهت‌های جغرافیایی جنوب، شرق و غرب چهار تا شمال داشت که موقع تعطیلات حداقل ملت تو این چهار جهت پخش و پلا می‌شدن.» بعضی کاربران هم خلاقیت بیشتری به خرج داده بودند و اتفاقات احتمالی را بررسی می‌کردند «متأسفانه داریم ایران روز دست میدیم، شمال سنگین شده جنوب داره میره بالا، الانه که ایران لیز بخوره بره تو آب همه‌مون غرق بشیم.» گروهی هم به فکر شهرشان. این اتفاق دیگری پدیده جدید بود «تنهارا هل ترافیک کشنده جاده‌های شمال، کوپنی کردنش. طوری که مثلاً هر کی سالی دوبار بتونه بره. اونایی‌ام که نمیرن، بفروشن پولشو بزنن یه زخمی.»

ایران فقط شمال نیست

هجوم مردم به شمال یک پیام مهم دارد، صنعت گردشگری نتوانسته است جاذبه‌های دیگر کشورمان را به مردم

معرفی کند و زیرساخت‌های لازم برای جذب گردشگر را در نقاط مختلف ایجاد کند. از آن تأسفبارتر اینکه حتی در شمال کشور که هر تعطیلات با هجوم مردم روبه‌رو می‌شود و همه از آن مطلع هستند کسی به فکر ساخت و توسعه کشورمون به جای جهت‌های جغرافیایی جنوب، شرق و غرب چهار تا شمال داشت که موقع تعطیلات حداقل ملت تو این چهار جهت پخش و پلا می‌شدن.» بعضی کاربران هم خلاقیت بیشتری به خرج داده بودند و اتفاقات احتمالی را بررسی می‌کردند «متأسفانه داریم ایران روز دست میدیم، شمال سنگین شده جنوب داره میره بالا، الانه که ایران لیز بخوره بره تو آب همه‌مون غرق بشیم.» گروهی هم به فکر شهرشان. این اتفاق دیگری پدیده جدید بود «تنهارا هل ترافیک کشنده جاده‌های شمال، کوپنی کردنش. طوری که مثلاً هر کی سالی دوبار بتونه بره. اونایی‌ام که نمیرن، بفروشن پولشو بزنن یه زخمی.»

داغ برپیشانی محیط زیست

اما سفر مردم به شمال یک نقطه زشت و تاریک هم داشت، منظورم ساعت‌ها معطل شدن مردم در جاده و اسراف سوخت و وقتشان نیست، منظورم آسبایی است که به طبیعت رسید و عکس‌های آن در فضای مجازی پخش شد. کاربری در توئیتر نوشت «از صبح تا الان ده‌ها عکس از طبیعت شمال دیدم با تپوئه زباله‌های رها شده. مسافران محترم در حال انتقام‌گیری

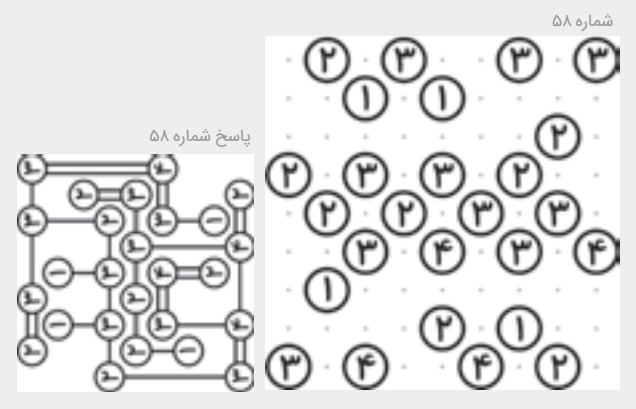
از کسی هستید یا کلا این شکلی بزرگ شدید؟» این طرز رفتار با طبیعت، مردم شهرهای دیگر را هم ترسانده بود، در یکی از سایت‌های خبری یک نفر کامنت نوشته بود و مردم را به بازدید از شهرهای غربی ایران دعوت کرده بود، کاربر دیگری این طور برایش پاسخ نوشته بود که «منی خواد بیان طرف غرب، اول احترام به محیط زیست رو یاد بگیرن بعد بیان. میان اینور رو هم خراب می‌کنن.»

در کنار تصاویر ناراحت‌کننده از حجم بالای زباله در سواحل شمال، دیروز ویدئویی در سایت‌های خبری منتشر شد که آدم را بیشتر از پیش شرمنده می‌کرد. وزیر محیط‌زیست ژاپن (دقت کنید که ژاپنی‌ها وزارت محیط زیست دارند) در شهر فوجیساوا به ۴۰۰ داوطلبی پیوسته بود که اقدام به جمع‌آوری زباله در ساحل این شهر کردند. ۸۰۰ هزار ژاپنی در ۲۰ هزار نقطه این کشور به پویشی پیوسته‌اند که قرار است تا ۸ ژوئن که روز جهانی اقیانوس است، سواحل را از زباله و آشغال پاک

کنند. کیوار که انتهای مطلب را اسکن کنید تا خودتان ایسن ویدئو را ببینید. ●

پل سازی

قوانین بازی: ۱. باید برای هر جزیره (دایره) به تعداد عددی که وسط آن نوشته شده است، پل (خطی که جزیره را به یکی از جزایر اطرافش وصل می‌کند) بسازید. ۲. تنها می‌توانید از خطوط راست عمودی یا افقی استفاده کنید و نمی‌توانید خطوط اریب یا ال بکشید. ۳. بین دو جزیره بیشتر از ۲ پل نمی‌شود ساخت. ۴. پل‌ها نباید همدیگر را قطع کنند ولی در انتها همه جزیره یک راه به هم راه داشته باشند.

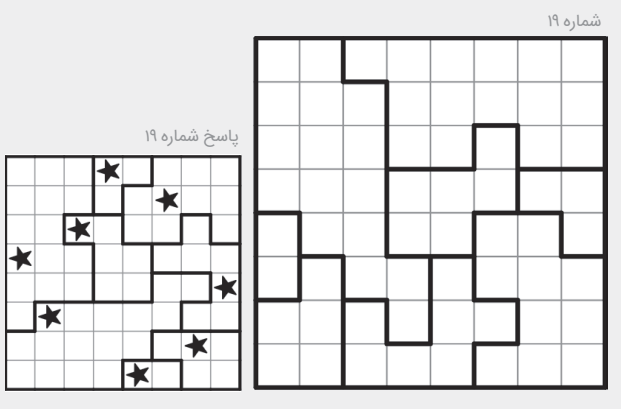


زردپی	همراهی عرب	شکم‌بند	شاعر متخلص
عدسی مقعر	شهر سروانسن	همگانی	به د.اسایه
	تن پوش زنانه	تینیان	تحمیل
	سراننده	غذای ابکی	
	مثنوی معنوی	خواهش‌های	نفسانی
ایرو		پسر تازی	
واسطه		موی مجعد	
احضار روح			فیلم چهارم
		برای اینکه	دهنمکی
		ابزار دفاعی	
		قدا	
دل‌داده رامین		حبوان نجیب	
غذای خودرو		شهر بادگیرها	
نت پیمار		خلبان	
از جبر گزاری‌های		سوغات گجرات	
بین‌المللی			سودای ناله
			پوز
خدمتگزاران		موزعه اجرت	
لنگه در			نظم و ترتیب
		زخمی متعجبانه	

طراح: مصدرا غلیزاده

ستاره‌یاب

بازی ستاره یاب یک بازی منطقی جذاب و پرطرفدار است که برای اولین بار در مسابقات جهانی بازی‌های منطقی در سال ۲۰۲۳ از آن رونمایی شد و مورد استقبال قرار گرفت. **قوانین بازی:** ۱. هر جدول به ۸ منطقه تقسیم شده است که با خطوط پر رنگ متمایز شده‌اند. ۲. باید در هر منطقه حتما یک ستاره قرار بدهید. ۳. در هر ردیف، ستون و منطقه نمی‌توان بیشتر از یک ستاره قرار داد. ۴. ستاره‌ها نباید چسبیده به هم قرار بگیرند (حتی مورب).



جدول ۲۶۹۰

shahr.puzzle@shahrara.com

پاسخ جدول ۲۶۸۹

زردپی	همراهی عرب	شکم‌بند	شاعر متخلص
عدسی مقعر	شهر سروانسن	همگانی	به د.اسایه
	تن پوش زنانه	تینیان	تحمیل
	سراننده	غذای ابکی	
	مثنوی معنوی	خواهش‌های	نفسانی
ایرو		پسر تازی	
واسطه		موی مجعد	
احضار روح			فیلم چهارم
		برای اینکه	دهنمکی
		ابزار دفاعی	
		قدا	
دل‌داده رامین		حبوان نجیب	
غذای خودرو		شهر بادگیرها	
نت پیمار		خلبان	
از جبر گزاری‌های		سوغات گجرات	
بین‌المللی			سودای ناله
			پوز
خدمتگزاران		موزعه اجرت	
لنگه در			نظم و ترتیب
		زخمی متعجبانه	

با هم بشتویم، دوره کردی کی خوره؟
مفسر
ایر اهیم زاره
ترانه و آهنگش
از کیه؟
فور مفسر
ایر اهیم زاره
شس و عاشش
پیه؟
رنگین و اماساسی،
می‌پرت توی
شس، آهنگش هم
به دل میشینه



حاضر جواب

مدیرعامل شرکت پشتیبانی امور دام اعلام کرد که از ابتدای امسال تاکنون حدود ۳۷ هزار تن انواع گوشت قرمز وارد شده است و با توجه به شرایط بازار افزایش قیمتی در این بخش نخواهیم داشت.

سلطان گوشت: باز من چند روز رفته بودم شمال شما دور برداشتن.

ویلموتس؛ سرمربی جدید تیم ملی فوتبال بعد از بازی با سوریه: سن و سال ملاکی برای نبودن در تیم ملی نیست.

علی دایی: منم همینو میگم سن فقط به عده (شروع به گرم کردن کنار زمین می‌کند)

رئیس دانشگاه خواجه‌نصیر: نباید مباحث فرهنگی در دانشگاه‌ها را حراستی و امنیتی کنیم با بگیر و ببند مشکل فرهنگ حل نمی‌شود.

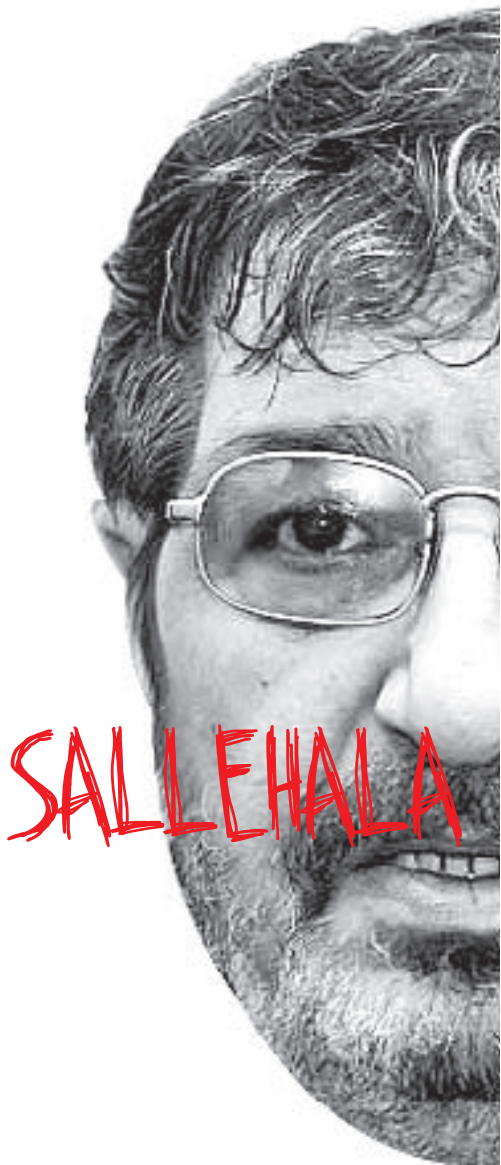
یک مسئول: یعنی مشکل فرهنگی رو با کار فرهنگی رفع کنیم؟ مگه داریم؟ مگه میشه؟

پوتین: با سیاست‌های آمریکا در قبال ایران مخالفیم.

رگ به رگ نشید، این قدر محکم پشت ما در میان.

کله ونگ

مُشتبّا نَخعی راد



برچی دَرَن بایکان یکان برنامه‌ها ایجور مُکَن؟

مُو کَر دَم فِقط خُودَم وَقتی میوه کُفِ مُخُورَم دهنم ایقده نوچ مَرِه که بایس یگ من آب بُخُورم که بُشُوره و بُبره. نِگوای دِداش گِلم «ممد صالح‌علا» یم ایجوره. خودش مِگه: «بیشتر عمر برنامهِسازی ما تو تلویزیون به عجله کردن رد رفته. ای هِمو سِب کُفی مَرِه که محتوای دِره و بی‌مزه ی و ذائقه مخاطبیم ایجور نِمخه.» دِداش اینا حقِ دَرَن، شما نِگا کُن، ای مدیر! ایقده وَقت دَرَن که بَخَن فیلم و سِیرِیال رِسیده بسازن، ای میزای لاکِر دار و فا نِمکنه، بایس به هم بگردَن تا وَقتی وُریا بُگفتَن و از رو صِدی شایز بُخورَدَن، یگ چیز کُفی بسازن بره دِگه.

ولی شما که ایقده دُکُون عاشقِتی و اُمُکُن و بَدِما «یکان یکان ببیندگان جان» یِگَن و هِندونه زیر بغلما جا مُکُنن، بعیده که چِمبه‌ها ره مِسقِرِه مُکُنن. نِکُردَن؟ انا مِگه نِگفتَن: «تلویزیون خیلی چِمبه رفته و یگ جوری خُفَنگی شِکِیم در آورده، ایقده خُرج برنامهِسازی دِره که بمانه، یگ عالمه یم نون خُور دِره که بایس پدِشا حَقوق بده.» از قِصد که ایجور نِزَفته، ایقده ای اسپانسرای سر دوش و کُفِگیر و قابلمه، خُذای چَرِب و چِلیپی نو کاسه‌اش گذشتَن که ایجور رفته. حالِیم مِورد دِره، چِمِگی در مِون دره. بایس بُتِرش فِکِه پارک خُودِما و ایقده دور پارک مِلت بچِر خُونِش که چِرِیاش بُسُوره و شِکِمش آب بره.

فِک نِکِن و سِطای سِنِگ و پِلخُمون کِرَدَن عادل، حواسما پِرَت رفته و نِغَمِیدَم دَرَن شِماره هم اَز ما مِگیرَن. شُغُفَم وَقتی اَز تا مِیُرسَن: «بر چی جِیدِیدا ایقده کم کار رفتَن؟» وُرِگِشتَن و گِفتَن: «دِگه خیلی وَقته کاری نِمکُنم، جِمعهِها زود تر وُرِ مِخُرم که بر هِیچ کاری نِکُردَن، بیشتر وَقت دِشته بِشِم.» یَرِه دِفه اَخر که گِفتَن «تاخِتی بِسَرَن و وُرِگِرَدَن، مُو مِیجِه دِست به سِینه و اَسِتادَم.» مُو جَلدی رَفتم و وُرِگِشتِم، ولی دِیدِم دِگه شِکِبه ۴ نِیستَن، رادیون ره هم روشن کُردِم زِدَم شِکِبه پِیام، واز دِیدِم اَوَنجِه یم نِیستَن. مُو دِگه هِنگ کُردِم، نِغَمِهم بَر چی دَرَن یا یکان یکان برنامهِها ایجور مُکُنن؟ ●